

بایسته‌های حقوقی شرکت تک‌عضوی در حقوق ایران (بستر حقوقی لازم برای پذیرش شرکت تک‌عضوی در حقوق ایران)

محمد ساردوئی‌نسب^{۱*}، مرضیه صفدری^۲

۱. دانشیار، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱)

چکیده

تحلیل ماهیت حقوقی شرکت، به عنوان تأسیسی مرکب از ماهیت قراردادی و نهادی، موجب شده وجود حداقل دو شخص برای تشکیل شرکت در حقوق ایران ضروری و امکان تشکیل شرکت تک‌عضو فعلاً منتفی باشد. این نوع شرکت سال‌های متمادی است که در کشورهای اروپایی و امریکا پذیرفته شده است. تشکیل این شرکت‌ها می‌تواند در ساماندهی فعالیت‌های تجارتهای تجاری حقیقی، که به هر دلیلی تمایلی به مشارکت با دیگر افراد ندارند، بسیار مؤثر افتد. در این نوشتار بستر حقوقی لازم برای فعالیت مؤثر این شرکت‌ها تحلیل شده است. علاوه بر این، با توجه به ارزیابی ما مبنی بر فقدان موانع نظری و حقوقی در جهت پذیرش رسمی این نوع شرکت، الزامات حقوقی لازم برای تشکیل این شرکت‌ها در حقوق ایران بررسی شده است. در این زمینه، ظرفیت حقوقی دکترین حفاظت از سرمایه و ارتباط آن با مسئولیت محدود، ظرفیت تئوری خرق حجاب در این رابطه، و امکان تشکیل این شرکت‌ها در قالب شرکت با مسئولیت محدود و سهامی خاص و تضامنی در اصلاحات قانون تجارت بررسی شد.

کلیدواژگان

اشخاص ذی‌نفع، حفاظت از سرمایه، شخصیت حقوقی، شرکت تک‌عضوی، مسئولیت محدود.

مقدمه

شرکت تک‌عضو شکل منحصربه‌فردی از شرکت است که وجه تمایز آن در مقایسه با شرکت‌های رایج در حقوق تجارت در تک‌شریک بودن آن است. این نوع شرکت در سال‌های اخیر، به دلیل نقشی که در اقتصاد و جذب سرمایه و تسهیل اشتغال و کارآفرینی دارد، توسعه یافته است.

در حقوق ایران تشکیل شرکت با عضو واحد برای تجارت در بخش خصوصی داخلی امکان‌پذیر نیست؛ درحالی‌که تشکیل عملی این نوع شرکت‌ها مشاهده می‌شود؛ به‌خصوص شرکت‌های خانوادگی که اداره آن به دست یکی از اعضای خانواده است یا شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از سهام آن از آن یک شخص حقیقی یا حقوقی است و شرکای دیگر بخش کوچکی از سهام را اداره می‌کنند یا فقط نامشان به عنوان شریک یا سهامدار ذکر شده است و اموال و مدیریت شرکت در دست یکی از سهامداران است.

تاریخ نشان می‌دهد که پذیرش این شرکت به عنوان شرکت‌های قانونی به‌آسانی مورد تصویب قانون‌گذاران قرار نگرفته است، زیرا این پیشینه وجود داشته است که هر شرکتی بایستی توسط دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی تشکیل و اداره شود. این استنباط بر مبنای این معیار است که شرکت تجارتي به عنوان گروه قراردادی از اشخاص و به عنوان عقد و قرارداد تلقی می‌شده است؛ چون واژه شرکت از نظر ریشه‌شناسی قائم بر همکاری و مشارکت حداقل دو شخص است. به تدریج این دیدگاه نظری و شکلی به شرکت به دیدگاه عینی و اقتصادی تغییر یافت و به شرکت در قالب یک بنگاه و واحد اقتصادی نگریسته شد (تفرشی ۱۳۹۳: ۸).

در اروپا، دستورالعمل دوازدهم (89/667/EEC) و اصلاحیه آن (2009/102/EC¹) تشکیل شرکت با عضو واحد را به رسمیت شناخته است. هدف اصلی این دستورالعمل ایجاد یک سند قانونی است که به کمک آن محدودیت مسئولیت تشکیل‌دهنده شرکت در همه کشورهای عضو به یک شیوه باشد. قبل از تصویب این دستورالعمل، برخی کشورهای عضو تشکیل شرکت‌های تک‌شریکی را تجویز کرده بودند. مثلاً، در آلمان، حتی قبل از این دستورالعمل، در قانون شرکت با

1. Directive 2009/102/EC of the Europa Parliament and of the Council of 16 September 2009 in the Area of Company Law on Single-Member Private Limited Liability Companies.

مسئولیت محدود، از سال ۱۸۹۲، به مدت طولانی این شرکت شناخته شده بود. این قانون آخرین بار در سال ۱۹۸۹ اصلاح شد (Lenhardt 1995-1996: 551-554). فرانسه در ژانویه ۱۹۸۵، بلژیک در سال ۱۹۸۷، و دانمارک در سال ۱۹۷۳ شرکت تک‌شریکی را به رسمیت شناختند. (Federal Law Gazette I 721, Italian Decree 88 of 3.3, French Law 66-537).

در حقوق ایران، نویسندگان حقوقی به صورت پراکنده حداقل وجود دو شخص را برای تشکیل شرکت ضروری دانسته‌اند (ستوده تهرانی ۱۳۸۶: ۲۵۷ و ۲۵۹) و برخی، با تصریح به امکان تشکیل شرکت تک‌عضوی در شرکت‌های دولتی، وجود حداقل دو شخص را لازمه تشکیل و استمرار شخصیت حقوقی در مورد شرکت‌های تجاری می‌دانند (تفرشی ۱۳۷۸: ۱۷، ۶۱، ۶۲). مقالات محدودی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است، از جمله «بررسی تطور تاریخی شرکت تک‌شریکی» (تفرشی ۱۳۹۲: ۱۷)، که به سیر تاریخی به رسمیت شناخته شدن این نوع شرکت‌ها در کشورهای متعدد پرداخته است. مقاله دیگری نیز با عنوان «تشکیل شرکت با عضو واحد» (محمودی ۱۳۸۴: ۶۱) به چاپ رسیده است که به امکان تشکیل شرکت تک‌شریکی در قانون فعلی پرداخته است. در مقاله دیگری نویسندگان با طرح اشکالاتی پیشنهاد کرده‌اند در حال حاضر بهتر است فقط به دولت اجازه تشکیل شرکت تک‌شریک داده شود و در مورد اشخاص حقوقی خصوصی توصیه به ضرورت سپردن تضمین نموده‌اند (نیازی و همکاران ۱۳۹۴: ۲۰).

در مقاله حاضر تلاش شد پاسخی برای این اشکالات ارائه شود و سعی بر آن بود تا با رویکردی تحلیلی - توصیفی ضرورت‌های حقوقی بررسی شوند. همچنین با مطرح کردن «تئوری حفاظت از سرمایه» به منزله مکمل «تئوری مسئولیت محدود»، که در همین مقاله تشریح شده، امکان تشکیل این نوع شرکت‌ها در حقوق تجارت ایران تحلیل و هر گونه تردید در این زمینه زوده شود. نیز به این موضوع پرداخته شد که شرکت تک‌شریکی می‌تواند مناسب‌ترین جایگزین عملی برای «شخص حقیقی تاجر» باشد؛ به این معنی که بدون اینکه پیشنهاد حذف تأسیس «شخص حقیقی تاجر» مطرح شود، در صورت پذیرش قانونی، این شرکت به تدریج در عمل جایگزین نهاد «شخص حقیقی تاجر» خواهد شد.

شرکت‌های تجارتي و جایگاه شرکت تک‌شريكی^۱

قانون تجارت ایران در ماده ۲۰ فقط به شمارش اقسام مختلف شرکت تجارتي پرداخته و تعريفی از شرکت ارائه نکرده است. با وجود این، حقوقدانان تلاش کرده‌اند تعريفی ارائه دهند که انواع شرکت‌ها در قانون تجارت را توصیف کند. یکی از آن‌ها نوشته است: «شرکت قراردادی است که به موجب آن دو یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده‌های آن‌ها تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به مؤسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به‌کارگیری سرمایه سهیم شوند» (اسکینی ۱۳۸۸: ۱۹). در این تعريف شرکت تجارتي دارای ماهیتی قراردادی تلقی شده است. در این دیدگاه تشکیل شرکت بدون وجود حداقل دو شريك امکان‌پذیر نیست.

از دیدگاه برخی حقوقدانان تعريف شرکت تجارتي، به منزله نهادی قراردادی و سازمانی، با ماهیت اصلی شرکت‌های موجود تطابق بیشتری دارد. تفکیک مرحله تشکیل شرکت از فعالیت شرکت، مطابق گفته برخی حقوقدانان، در تبیین ماهیت شرکت کارگشا خواهد بود؛ بدین معنی که تا مرحله ثبت و تشکیل رسمی شرکت جنبه قراردادی شرکت غلبه دارد، لکن، به محض تشکیل، شرکت شخصیت حقوقی مستقل تلقی می‌شود (پاسبان ۱۳۸۹: ۶۱).

از نظر برخی شرکت تجارتي با اکتساب شخصیت حقوقی می‌تواند به فعالیت تجارتي و اقتصادی بپردازد. در این مفهوم، افراد برای پیوستن به شرکت یا ایجاد آن نیازی به انعقاد قرارداد ندارند؛ بلکه صرف اعلام خواسته و تمایل آنان به تشکیل چنین نهادی یا عضویت در آن کافی است (خلیلی ۱۳۹۲: ۱). به نظر می‌رسد، گرچه نقش قرارداد در مرحله تشکیل شرکت مهم است و در مواردی که شرکت را دو یا چند نفر تشکیل می‌دهند نقش قرارداد و توافقات اولیه را نمی‌توان کم‌اهمیت شمرد، مناسب‌ترین توصیف همانا تعريف دکتر ستوده تهرانی است. مطابق تعريف ایشان، «شرکت تجارتي عبارت است از سازمانی که بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود که در آن هر یک سهمی به صورت نقد یا جنس یا کار خود در بین می‌گذارند تا مبادرت به عملیات تجارتي

۱. این شرکت با نام‌های مختلف در کشورها متداول است:

Single Member Companies, One Share Company, One-Man Company, One-Man Corporation, One-Person Company/Corporation

نموده و منافع و زیان‌های حاصله را بین خود تقسیم کنند» (ستوده تهرانی ۱۳۸۶: ۱۷۲). در این تعریف وصف مؤسسه و سازمانی (شخصیت حقوقی) به شرکت به‌خوبی دیده می‌شود و نقیصه تعریف پیشین را ندارد.

لزوم وجود حداقل دو و گاهی سه یا پنج شریک در شرکت از یک تفکر سنتی نشئت می‌گیرد؛ که شرکت از اجتماع حقوق چند شخص ایجاد می‌شود. قانون مدنی ایران نیز در ماده ۵۷۱ شرکت را اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد تعریف کرده است. قانون مدنی در تعریف شرکت به اشاعه حاصل از اجتماع حقوق مالکین متعدد اشاره کرده و بر عقدی به عنوان شرکت تصریح نکرده و در مواد ۵۷۳ و ۵۷۴ به اسباب قهری و قراردادی شرکت پرداخته و به نتیجه عقود دیگری که منتهی به اشاعه حاصل از اجتماع حقوق مالکین متعدد و شرکت شده اشاره کرده است. آنچه در این تعریف لحاظ شده در واقع مالکیت مشاع در اشیاست و به شرکت به عنوان شخص حقوقی هیچ اشاره‌ای نشده است.

در نظم حقوقی کنونی ایران در قانون تجارت از شرکت‌های تجارتهی هفتگانه نام برده شده است. در همه موارد مقنن وجود حداقل دو و گاهی سه یا پنج عضو را برای تشکیل شرکت ضروری دانسته است. به همین علت نه تنها شرکت تک‌شریکی به رسمیت شناخته نشده است، بلکه در حال حاضر تشکیل چنین شرکتی قابل انطباق با هیچ‌یک از شرکت‌های تجارتهی احصاشده در ماده ۲۰ قانون تجارت نیست. در لایحه در حال بررسی اصلاح قانون تجارت نیز، با وجود به رسمیت شناختن شرکت تجارتهی تک‌شریکی، تعریفی از آن ارائه نشده است.^۱

اتحادیه اروپا در دستورالعمل دوازدهم و سپس در دستورالعمل اصلاحی آن^۲، با هدف هماهنگی قانون شرکت‌ها در سطح اروپا، شرکت تک‌شریکی را به رسمیت شناخته است. این دستورالعمل در ماده ۲ خود مقرر داشته است: «یک شرکت می‌تواند یک عضو داشته باشد، چه

۱. لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی که در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۳ به طور آزمایشی به تصویب رسید.

2. Directive 89/667/EEC, Twelfth Council Company Law Directive 89/667/EEC Of 21 1989 On Single-Member Private Limited Liability Companies & Directive 2009/102/EC of the European Parliament and of the Council of 16 September 2009 in the Area of Company Law on Single-Member Private Limited Liability Companies.

هنگام تشکیل چه هنگامی که همه سهم را یک شخص اداره می‌کند». در این دستورالعمل کشورها ملزم شده‌اند شرکت تک‌شریکی را بپذیرند.

بنابراین شرکت تک‌شریکی شرکتی است که یک عضو دارد؛ چه حقیقی چه حقوقی. بدین معنی که همه سرمایه را یک شخص تأمین می‌کند و با ثبت در دفتر ثبت عمومی قابل دسترسی برای عموم است. این شریک تنها عضو مجمع عمومی است و نظر و تصمیم شخص واحد برای معتبر دانستن تصمیمات شریک واحد کافی است و قراردادهای او و شرکت باید به صورت کتبی ثبت شود (← صقری و جوهر ۱۳۹۴: ۱۳).

کارکرد شرکت تک‌شریکی

به طور کلی، هدف از تشکیل شرکت‌های تجاری جذب سرمایه‌های کوچک و تحدید مسئولیت است که با تشکیل شرکت تک‌شریکی نیز می‌توان به این مطلوب دست یافت. تشکیل شرکت‌های تک‌شریکی با هدف کارهای تجاری، به طور خاص، و اهداف اقتصادی و اجتماعی دیگر قابل تصور است. این اهداف می‌تواند در کشورهای مختلف بنا بر نیاز به وجود شرکت تک‌شریکی متفاوت باشد. مثلاً اهداف یک شرکت تک‌شریکی در ایالات متحده آمریکا معمولاً تسهیل در مدیریت شرکت، فروش اموال به نام شرکت، و اجرای عادلانه و برابر قوانین در قبال تجار و شرکت‌هاست (Miao 2012: 2).

از نظر اقتصادی جداسازی شخصیت شرکت و عضو و به عبارت دیگر دادن شخصیت حقوقی به شرکت از اهمیت بسیار برخوردار است؛ با این مفهوم که شرکت ظرفیت انعقاد قرارداد و قبول تعهدات ناشی از آن را دارد و مسئولیت شرکت نمی‌تواند به سهامدار نسبت داده شود، دارایی سهامدار از دارایی شرکت جداست، و سهامدار مسئولیت محدود دارد که از نظر اقتصادی مهم‌ترین هدف تشکیل شرکت تک‌شریکی است (Halpern 1980: 117).

شرکت تک‌شریکی جایگزین مناسب برای «نهاد شخص حقیقی تاجر»

با تشکیل شرکت تک‌شریکی، امکان جداسازی بین عملکرد مالی - تجاری «شخص حقیقی تاجر» و مخارج زندگی روزمره او وجود دارد. شرکت تک‌عضو این امکان را به شخص می‌دهد که اموال

و دارایی‌های خود را تفکیک کند و بر بخشی از دارایی، که جزء سرمایه شرکت است، رژیم حقوقی متفاوت حاکم کند (← نوری یوشانلویی و بانسی ۱۳۹۶: ۵۸۴). جدا کردن «جنبه‌های غیرتجاری» اشخاص حقیقی تاجر از حیات تجاری آنان حفظ حقوق اشخاص ثالث و طلبکاران را از این جهت کاملاً تضمین می‌کند. می‌دانیم که تاجر حقیقی حق دارند مخارج روزمره زندگی خود و اشخاص واجب‌النفقة خود را از محل عواید تجارت خود برداشت کنند. قانون تجارت فقط در صورت برداشت نامتعارف از تجارتخانه جهت این امور واکنش نشان می‌دهد و ماده ۵۴۱ قانون تجارت صرف هزینه‌های نامتعارف را از موارد ورشکستگی به تقصیر قلمداد می‌کند. بنابراین، برداشت هزینه متعارف از عواید تجاری برای زندگی شخصی مجاز است و در عمل همین برداشت‌های متعارف ممکن است به ورشکستگی منتهی شده باشد. این بدان معناست که حقوق اشخاص ثالث ذی‌نفع به طور کنترل‌ناپذیری از قبل در معرض تعدی احتمالی تاجر حقیقی قرار دارد. تشکیل شرکت تک‌شریکی و وجود صورت‌های مالی و ترازنامه مستقل از سایر بخش‌های زندگی تاجر و عدم امکان برداشت هزینه‌های متعارف از محل دارایی شرکت تک‌شریک اعتماد بیشتری را برای اشخاص تاجر به وجود می‌آورد.

در باب ورشکستگی از جهت توقف تاجر نیز، بر اساس ظاهر ماده ۴۱۲ قانون تجارت، تفاوتی بین دین با منشأ مدنی و با منشأ تجاری وجود ندارد؛ که این امر موجب اختلال در امور تجاری و روابط با تاجر طلبکار و طرف قرارداد با تاجر متوقف از تأدیة این نوع از دیون است. بدین معنی که ممکن است دیون مدنی خاص یا محکومیت‌های سنگین به دیه در زندگی شخصی تاجر، به‌رغم فعالیت استوار تجاری، از نظر دادگاه، توقف از تأدیة وجوهی که بر عهده دارد تلقی شود و بر اساس ماده ۴۱۲ قانون تجارت تاجر ورشکسته اعلام شود! بدین جهت، مرز دقیقی بین بدهی‌های مدنی و بدهی‌های با منشأ تجاری وجود ندارد.

از سوی دیگر مسائل مربوط به مالیات نیز با تشکیل این نوع شرکت به نحو بهتری قابل رسیدگی است. یکی از مشکلات ممیزان مالیاتی تشخیص هزینه‌های قابل قبول تاجر است که برای زندگی شخصی خود صرف کرده است؛ که ممکن است موجب نارضایتی مؤدیان «شخص حقیقی تاجر» یا موجب بی‌عدالتی در برابری اخذ مالیات بین تاجر حقیقی شود.

از امتیازات شرکت تک‌شریکی، در مقایسه با شخص حقیقی تاجر، این است که در برخی کشورها، از جمله امریکا، می‌توانند آزادانه سال مالی خود را انتخاب کنند و این سال مالی می‌تواند به گونه‌ای باشد که به نفع وضعیت کسب‌وکار و متناسب با چرخه اقتصادی باشد. از نظر اجتماعی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از اهداف تشکیل این شرکت تجارتي است و شرکت تک‌شریکی می‌تواند یکی از این شرکت‌ها باشد. بدین ترتیب، با اهداف مذکور، تشکیل یک شرکت تک‌شریکی می‌تواند بسیار فراتر از شرکت‌های سنتی در زمینه جذب سرمایه‌های اندک جامعه مؤثر باشد و اقتصاد موجود را رونق بخشد.

در هر صورت، پذیرش شرکت تک‌شریک الزاماً به معنی نسخ مقررات مربوط به نهاد «شخص حقیقی تاجر» نیست و این دو نهاد می‌توانند در کنار هم نیاز اجتماعی موضوع خود را برآورده کنند. اما ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در نقش و کارکرد نهاد «شخص حقیقی تاجر» به هیچ وجه در شرکت تک‌شریک وجود ندارد که این نکته خودبه‌خود انگیزه لازم را برای تاجر جهت استفاده از قالب این شرکت به وجود می‌آورد.

تعهدات مهم شریک شرکت تک‌شریکی

مسئولیت محدود مؤسس شرکت تک‌شریکی از راه‌های مختلف کنترل می‌شود تا از ریسک ضرر به اشخاص ثالث تا حدی کاسته شود. مثلاً در آلمان سهامدار ملزم است یا کل سرمایه شرکت را پرداخت کند یا حداقل را بپردازد و در رابطه با مبلغ باقی‌مانده تضمین بدهد. در فرانسه، مانند بسیاری از کشورها، اگر شرکت فقط یک سهامدار داشته باشد، آن عضو نمی‌تواند تک‌شریک شرکت با مسئولیت محدود شرکت دیگری باشد (Behrenes 2001: 85).

تناسب سرمایه شرکت با موضوع کسب‌وکار شرکت تک‌شریکی

از نظر برخی محققان، برای ایجاد شرکت تک‌شریکی، مؤسس ملزم به رعایت برخی الزامات است تا اشخاص ثالث طرف قرارداد با شرکت بتوانند با اعتماد و اطمینان کافی به معامله با شرکت بپردازند. یکی از این وظایف آوردن سرمایه کافی و رعایت شیوه کسب‌وکار و تجارت است (Assamen 2012: 11).

در اساسنامه شرکت باید حداقل سرمایه منعکس شود و این سرمایه باید متناسب با کسب‌وکار در شرکت تک‌شریکی باشد. ملاک سرمایه کافی نوع کسب‌وکار و تجاری است که شرکت تک‌شریکی بدان منظور تشکیل یافته است. در واقع، تعیین سرمایه کافی موضوعی است که به نوع تجارت، محل آن، و ارزش اقتصادی تجاری که قصد آن را دارد بستگی دارد. به نظر می‌رسد در صورت تجویز تشکیل شرکت تک‌شریکی ملاک‌های حداقل سرمایه باید در قانون تصریح شود و معیاری ارائه شود که امکان تعیین مقدار منصفانه سرمایه برای تشکیل شرکت فراهم آید (Cataldo 1953: 786). تأکید زیاد بر سرمایه کافی به این دلیل است که منافع طلبکاران به خطر نیفتد.

وظیفه دیگر مؤسس در ارتباط با نوع تجارت و پیشه‌ای است که برای شرکت برمی‌گزیند. تأکید بر این وظیفه مهم سهامدار بدان جهت است که این مسئولیت متضمن وظیفه حفظ هویت مستقل مالی دارایی شرکت از دارایی شخصی است تا افراد ثالث متوجه باشند که شریک در معامله با آن‌ها نماینده و مدیر شرکت است (Assamen 2012: 12) و چنانچه الزامات قانونی مذکور رعایت نشود ضمانت‌های قانونی متناسب باید در دسترس باشد.

از آنجا که شرکت تک‌شریک منحصراً در کنترل یک شخص است و احتمال تسری ریسک به اشخاص ثالث بیش از سایر انواع شرکت‌های تجاری است، تأکید بر حداقل سرمایه و مشخص بودن نوع کسب‌وکار به منظور ترسیم مرز واضحی بین فعالیت شریک در شرکت و بین سایر فعالیت‌های اقتصادی شخصی او ضروری به نظر می‌رسد.

امکان مراجعه به تک‌شریک و نادیده گرفتن مسئولیت محدود

موضوعی که ممکن است در ارتباط با شرکت تک‌شریکی مشکل ایجاد کند خلط و درهم‌آمیختگی درآمد عضو و شرکت است. در این صورت وضع کسب‌وکار مبهم خواهد شد و مشخص نخواهد بود اموال یا درآمد متعلق به چه کسی است.

اگر سرمایه شرکت برای مقاصد شخصی استفاده شود، شرکت تأسیسی موهوم و ابزاری در دست عضو خواهد بود (Fuller 1938: 1378-1379; Vincent Power 1937-1938: 1(3), C44-45).

در این موارد سهامدار ممکن است برای گمراه کردن طلبکاران و فرار از تعهدات خود و دور زدن قانون به صورت متقلبانه فعالیت کند. در این صورت، رژیم مسئولیت استثنایی در برخی

کشورها از جمله آمریکا در مورد سهامدار قابل اجراست. این رژیم مسئولیت قانونی «خرق حجاب»^۱ نام دارد.

اگر سهامدار به نحوی عمل کند که تمایز بین شرکت و سهامدار قابل دریافت نباشد، این گونه تلقی می‌شود که شرکت و تک‌شریکش یکی هستند و هویت واحد دارند (Cohn & Simitis 1963: 1).

در این موارد نحوه بهره‌برداری تجاری بررسی می‌شود. سؤال این است که آیا سرمایه شرکت برای فریب طلبکاران یا درک و تصور عمومی موهوم یا فرار از مسئولیت یا دور زدن قانون استفاده شده است؟ بنابراین، اگر سرمایه شرکت نیز ناکافی باشد هویت شرکت نادیده انگاشته می‌شود و امکان مراجعه به شریک برای استیفای حقوق ذی‌نفعان فراهم است. چون منصفانه نخواهد بود که برای فرار از مسئولیت شخصی یک سازمان سست و بی‌اعتبار و غیرپاسخگو بنا نهاده شود.

بنابراین، اگر سرمایه نسبت به تجارت بی‌ارزش و غیرمتناسب باشد، زمینه انکار هویت جداگانه به وجود خواهد آمد (Lewis 1957: 299-30). انکار هویت جداگانه برای شرکت به مسئولیت نامحدود سهامدار در قبال همه بدهی‌ها می‌انجامد. در نتیجه، اگر سهامدار بخواهد از مسئولیت محدود بهره برد، باید به وظایف و مقررات احترام بگذارد.

ضرورت اعمال کامل «تئوری حفاظت از سرمایه»^۲

مهم‌ترین مانع در جهت پذیرش شرکت تک‌شریکی ریسک ورود ضرر به طلبکارانی است که با شرکت معامله می‌کنند. سهامدار ممکن است از این پوشش برای تحدید مسئولیت خود استفاده کند. تئوری خاصی با عنوان «حفاظت از سرمایه» در کشورهای حقوق کامن‌لا و برخی کشورهای اروپایی مطرح شده است که به خوبی امکان تشکیل شرکت تک‌شریکی و روش‌های جلوگیری از ریسک ورود ضرر به طلبکاران را توجیه می‌کند. این تئوری، اگرچه در همه شرکت‌ها به اجرا گذاشته می‌شود، رعایت آن در شرکت تک‌شریکی نگرانی‌های ناشی از تشکیل و سوءاستفاده در این نوع شرکت را کاهش می‌دهد و تردیدها را در رابطه با حقوق طلبکاران از بین می‌برد.

1. "Piercing or lifting the corporate veil". "disregarding the corporate entity", "breaching the wall of the corporation".

2. Maintenance of capital theory

دکترین حفاظت از سرمایه در قرن ۱۹ در کشورهای حقوق کامن‌لا و بعد از آن در حقوق کشورهای دیگر شناخته شد. به طور کلی، هنگامی که یک شرکت نتواند بدهی خود را در نتیجه کاهش سرمایه یا پرداخت سود به عضو بپردازد این شرایط طلبکاران را تحت فشار قرار می‌دهد و موقعیت تجاری آن‌ها را متزلزل می‌کند. در نتیجه، شرکت نمی‌تواند از سرمایه خود برای لطمه غیرعقلایی به طلبکاران استفاده کند. برای این هدف و به منظور حمایت از منافع طلبکاران تئوری حفاظت از سرمایه مطرح شده است تا آزادی کاهش سرمایه دقیق بررسی شود (Reman sign 2009: 1).

بر اساس این تئوری همه معاملات شرکت تک‌شریک یا اقداماتی که بار مالی دارند باید بر اساس استانداردهای حسابداری ثبت و گزارش شود تا هر گونه انحراف از آن قابل کشف باشد. این استانداردها به گونه‌ای طراحی شده که اثر کلیه کاهش‌ها و افزایش‌ها در دارایی شرکت را به خوبی نشان می‌دهد و موارد و دلایل انحراف را روشن می‌کند. امروزه مهم‌ترین ابزار نظارتی شرکت‌ها به کارگیری استانداردهای حسابداری است. در آمریکا اساس قانون 2002 S-OX بر ارتقای استانداردهای حسابداری جهت حفاظت از حقوق اشخاص ثالث است.

یقیناً با به کارگیری این تئوری و وضع ضوابط لازم دغدغه‌ای که برخی محققان (نیازی و همکاران ۱۳۹۴: ۲۰) را به احتیاط واداشته تا پیشنهاد کنند در حال حاضر بهتر است فقط به دولت اجازه تشکیل شرکت تک‌شریک داده شود و در مورد اشخاص حقوق خصوصی قائل به ضرورت سپردن تضمین شوند دیگر موردی ندارد.

ضرورت شفافیت و نظارت‌پذیری کامل جهت حفاظت از سرمایه

در نتیجه اعمال روش‌های حفاظت از سرمایه شرکت، درآمد شرکت فقط بعد از اینکه از سرمایه حفاظت شود یا امکان بازیابی کامل هزینه‌ها وجود داشته باشد محقق می‌شود. حفاظت از سرمایه وقتی حاصل می‌شود که سرمایه یک شرکت در پایان یک دوره در مقایسه با آغاز دوره حداقل بدون کاهش باقی باشد. روش‌ها و ابزارهای حقوقی حفاظت از سرمایه، ضمن اینکه عمومیت دارد و در سایر شرکت‌های تجاری نیز باید رعایت شود، با توجه به اینکه شرکت تک‌شریک در کنترل انحصاری عضو واحد است، باید با حساسیت بیشتری مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

حفاظت از سرمایه کاملاً با تعریف سرمایه که این تئوری به دنبال حفاظت از آن است در ارتباط است. در این تعریف حفاظت از سرمایه حفاظت از سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی را شامل می‌شود.^۱ به عبارت دیگر حفاظت از سرمایه به این مفهوم است که میزان دارایی خالص باید قبل از تعیین سود تولیدشده در طول دوره حسابداری برای تغییرات احتمالی بررسی شود. با توجه به استانداردهای گزارشگران مالی بین‌المللی، هنگامی حفاظت از سرمایه محقق می‌شود که میزان دارایی‌های خالص در پایان یک دوره بیش از مقدار آن در ابتدای دوره باشد. این موضوع می‌تواند در مبلغ اسمی یا قدرت خرید ثابت قابل اندازه‌گیری باشد. در واقع باید، علاوه بر سود به‌دست‌آمده، ظرفیت عملیاتی یا تولیدات شرکت در پایان یک دوره، به استثنای در نظر گرفتن سهم یا توزیع هر یک از صاحبان سهم، بیش از میزان آغاز این دوره باشد. (Reman sign 2009: 1) مطابق تئوری مطرح‌شده، از سرمایه یک شرکت فقط زمانی محافظت می‌شود که علاوه بر اینکه دارایی پایان دوره برابر یا بیشتر از سرمایه ابتدای دوره باشد حفاظت از سرمایه فیزیکی شرکت نیز صورت گرفته باشد. بنابراین، در صورتی سود به رسمیت شناخته می‌شود که حداقل میزان دارایی خالص در طول دوره حسابداری در یک تجارت حفظ شده باشد. به عبارت دیگر، سود در واقع افزایش خالص دارایی‌ها در طول یک دوره است. از سوی دیگر دارایی پایان دوره شرکت باید با احتساب تورم در نظر گرفته شود. زیرا تورم حفاظت از دارایی را مخدوش می‌کند و در فرض انجام تعدیلات ناشی از تقویم مجدد دارایی در صورت خالص دارایی افزایش ریالی ایجاد می‌کند، بدون اینکه اساساً دارایی شرکت تغییر کرده باشد. به منظور تحقق کارکردهای فوق ضرورت دارد شرکت تک‌شریک بر اساس قانون ملزم به ارائه اطلاعات دقیق به حسابرسان رسمی و اخذ تأیید آن اطلاعات باشد. الزام به رعایت اصول و رویه‌های دارایی برای تسهیل حسابرسی و ثبت معاملات و کنترل مؤثر توسط بازرسان قانونی از این موارد است.

دکترین حفاظت از سرمایه مکمل، دکترین مسئولیت محدود

تئوری‌های حفاظت از سرمایه و مسئولیت محدود در واقع دو روی یک سکه‌اند. بدین معنی که هر

1. <http://www.investopedia.com/terms/c/capital-maintenance.asp>

دو مکمل یکدیگرند. نمی‌توان، بدون تضمین قانونی حقوق ذی‌نفعان خارج از شرکت، محدودیت مسئولیت سهامداران را، که کنترل شرکت به نوعی در اختیار آنان است، پذیرفت. هر خللی که در شیوه‌های حفاظت از سرمایه شرکت وجود داشته باشد اصل مسئولیت محدود سهامداران را ناکارآمد خواهد کرد. جداسازی دارایی شریک از دارایی شرکت و پذیرش شخصیت حقوقی برای شرکت ضرورت اتخاذ شیوه‌های اطمینان‌آور، به منظور حفظ سرمایه شرکت، را دوچندان می‌کند. اصل مسئولیت محدود، با وجود اینکه مزایای بسیار برای سهامدار فراهم می‌سازد، به جهت ضرورت اجرای تعهدات در قبال طلبکاران، پیش از توزیع هر گونه سودی، سهامدار را به رعایت محدودیت‌هایی در شکل استفاده از سرمایه شرکت ملزم می‌سازد. به همین منظور همواره مقدار مشخصی از سرمایه باید حفظ شود و بدین صورت زمانی که شرکت نمی‌تواند بدهی خود را از محل نقدینگی خود پرداخت کند می‌تواند به دارایی‌های خود اعتماد کند. در نتیجه دارایی شرکت به عنوان سرمایه پرداختی به طلبکاران در نظر گرفته می‌شود.

حفاظت از سرمایه و محدودیت در پرداخت سود

وجود حداقل سرمایه اسمی، که ابتدا سهامداران پرداخت می‌کنند، برای مشروعیت بخشیدن به توزیع پول نقد بعدی به کار می‌رود. توزیع در صورتی مشروع است که موجب نشود سرمایه اسمی از حد خود پایین‌تر برود؛ به این مفهوم که فقط سود جاری و درآمد ذخیره‌شده سال‌های گذشته ممکن است به سهامداران در تجارت ریسکی پرداخت شود.

این موضوع در کامن‌لا مطرح است و ارتباط زیادی با اداره شرکت دارد؛ که یک شرکت نمی‌تواند سرمایه خود را به غیر از روش‌های قانونی کاهش دهد. به علاوه، سرمایه نمی‌تواند از مقدار قانونی خود کمتر شود. در پرونده تیلور (1: Reman singh 2013) مقرر شد شرکت با مسئولیت محدود نمی‌تواند سهام خود را خریداری کند؛ طوری که این موضوع برابر با بازگشت سرمایه به سهامداران پیش از طلبکاران است.

در حقوق انگلستان برای شرکت محدودیت‌هایی جهت خرید سهام خود با هدف کاهش سرمایه وجود دارد. سرمایه شرکت باید حفظ شود و شرکت مجاز به استفاده از سرمایه خود برای امور روزانه، بدون مجوز، نیست و فقط سود می‌تواند بین سهامداران توزیع شود. میزان خاصی از

سرمایه برای رویارویی با طلبکاران همیشه باید حفاظت شود و در مقابل هر دستورالعمل یا معامله حتی قانونی، که برای کاهش سرمایه به کار رود، تخطی به این اصل اساسی محسوب می‌شود (Raman singh 2013: 3).

مطابق تئوری حفاظت از سرمایه، در یک واحد کسب‌وکار توزیع سود به صاحبان آن از طریق سود آخرین سال مالی یا سود ذخیره‌شده دوره‌های قبلی تأمین می‌شود و این توزیع با رعایت قواعد حسابداری صورت می‌گیرد. این طرح با تغییراتی در کشورهای قاره اروپا درباره شرکت‌های با مسئولیت محدود اجرا می‌شود.

زمینه‌های اعمال تئوری حفاظت از سرمایه برای حفظ سرمایه

مطابق حقوق اروپایی حفاظت از سرمایه شامل سه بخش است:

الف) یکی از این بخش‌ها حفاظت از ارزش واقعی سرمایه اسمی شرکت است. ایجاد یک شرکت به ثبت‌رسیده به حداقل سرمایه اسمی نیاز دارد. مطابق این دستورالعمل شرکای سرمایه باید به میزان قابل اندازه‌گیری در سرمایه شرکت مشارکت داشته باشند. خدمات یا نیروی انسانی برای اعتبارسنجی در مقابل حداقل سرمایه واجد شرایط نیستند. فعالیت‌های اقتصادی نمی‌تواند قبل از پرداخت ۲۵ درصد از سرمایه مشترک آغاز شود و ۱۰۰ درصد سرمایه مشترک باید در مدت پنج سال از شروع کسب‌وکار، که شامل سرمایه غیرنقدی سهم می‌شود، پرداخت شود. دارایی‌های ثابت مشهود و ملموس در صورتی پذیرفته می‌شود که ارزش آن را یک کارشناس مستقل یا مرجع عمومی در یک گزارش جداگانه گواهی کند. اگر شرکت سرمایه خود را با کسب دارایی سهامداران تا ۱۰ درصد یا بیشتر افزایش دهد به یک گزارش رسمی از نوع مشابه نیاز است (ماده ۴ دستورالعمل).

ب) محدودیت در توزیع وجه نقد بین سهامداران: توزیع به میزان سرمایه اسمی مازاد محدود است که به منزله تفاوت بین مجموع حقوق صاحبان سهام و مجموع سرمایه مشترک، ذخایر رسمی، و ذخایر قانونی محاسبه می‌شود (ماده ۱۵ دستورالعمل).

خرید سهام خزانه به پرداخت سود سهام محدود شده است. ذخیره ارزش سهام خزانه توسط شرکت خریداری می‌شود و سرمایه شرکت‌های تابعه آن نباید از ۱۰ درصد سرمایه شرکت بیشتر

باشد. اشتراک گذاشتن بازخرید نیاز به موافقت همه سهامداران دارد و کاهش سرمایه مشترک از طریق بازپرداخت سرمایه مشترک با محدودیت روبه‌روست؛ به‌خصوص طلبکاران می‌توانند مطالبات خود را قبل از پرداخت به سهامداران پس بگیرند.

ج) حداقل سرمایه اسمی به منزله حد عواقب قانونی محسوب می‌شود. اگر سرمایه اسمی به علت ضرر شدید کاهش یابد، باید در زمینه انحلال شرکت یا تصمیمات دیگر جلسه فوق‌العاده سهامداران تشکیل شود. حداقل ضرر شدید و اخطار برای برگزاری این نشست و جلسه مشروط به قانون‌گذاری داخلی است. در هر حال، آستانه ضرر شدید نصف سرمایه مشترک است (ماده ۱۴ دستورالعمل). اگرچه دستورالعمل مربوط به شرکت‌های دولتی است، در حقوق آلمان در زمینه حفاظت از سرمایه شرکت‌های با مسئولیت محدود خصوصی الزام‌آور است (Kuhner 2006: 4).

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ نیز احکام متعددی ناظر بر حفظ سرمایه مشترک، پرداخت حداقل ۳۵ درصد مبلغ سهم در ابتدای تشکیل، منع توزیع سود موهوم، و هر نوع پرداختی خارج از سود قابل تقسیم به سهامداران شرکت دارد. این موارد به لحاظ نظری بر اساس ضرورت‌های دکتین حفاظت از سرمایه قابل فهم است و به‌روشنی نشان می‌دهد تئوری حفاظت از سرمایه در حقوق ایران نیز راه پیدا کرده است. ماده ۱۴۱ این قانون درباره ضرورت دعوت از مجمع عمومی فوق‌العاده در صورت زیان و کاهش نصف سرمایه شرکت به منظور تقلیل سرمایه، ماده ۱۹۸ مبنی بر ممنوعیت خرید سهام شرکت توسط خود شرکت، و ماده ۲۴۰ درباره ممنوعیت توزیع منافع موهوم از این موارد است؛ که البته محدود به این موارد نیست.

برخی الزامات حقوقی شرکت تک‌شریکی از منظر دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا

ماده ۶ دستورالعمل دوازدهم تصریح می‌کند: «هرگاه کشورهای عضو اجازه تشکیل شرکت‌های تک‌شریکی را طبق ماده ۲ این دستورالعمل بدهند، این دستورالعمل باید اجرا شود». کشورها می‌توانند تشکیل اقسام شرکت‌ها را در قالب شرکت تک‌شریکی تجویز کنند. اما، در صورت تجویز، ملزم به رعایت الزامات مورد نظر اتحادیه اروپا هستند. بدیهی است کشورهای عضو، بنا به مصالح داخلی خود، وقتی اجازه تشکیل شرکت تک‌شریکی در قالب اقسام شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت سهامی عام، را می‌دهند که توجیه اجتماعی یا اقتصادی لازم برای آن وجود داشته باشد.

مطالعه این نوع شرکت‌ها و ویژگی‌های آن در کشورهای عضو اتحادیه، که آن را به رسمیت شناخته‌اند و در جهت استانداردسازی و اصلاح کاستی‌های آن کوشیده‌اند، می‌تواند الگوی مناسبی باشد برای کشورهایی که زمینه پذیرش آن را دارند.

در واقع، با توجه به دستورالعمل دوازدهم و اصلاحیه آن یک عضو باید اختیارات مجمع عمومی را اعمال کند و هر تصمیمی که تک‌شریک می‌گیرد باید به صورت کتبی در صورت جلسه نوشته شود. این موضوع هم به نفع طلبکاران است هم به نفع سهامدار. زیرا اگر طلبکاران از دادگاه تقاضای خرق حجاب و مراجعه به شریک کرده باشند، او می‌تواند نشان دهد که همه اعمالش مطابق قانون بوده است؛ در عین حال این اقدام به نفع طلبکاران است. زیرا می‌تواند اطمینان حاصل کند که همه این معاملات مطابق ضوابط حقوقی و استانداردهای حسابداری انجام شده است.

بنابراین، تشکیل شرکت تک‌شریکی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مطابق اصولی است که در دستورالعمل دوازدهم آمده است. تنها تفاوت بین این کشورها در این است که در آلمان و انگلستان تشکیل شرکت تک‌شریکی در هر دو نوع شرکت خاص و عام به رسمیت شناخته می‌شود، در حالی که در فرانسه فقط در قالب شرکت سهامی خاص آن را امکان‌پذیر می‌دانند.

در شرکت سهامی عام تک‌شریکی مالکیت کل سهام متعلق به شریک واحد است. اما، در عین حال، تا آنجا که با تک‌شریکی بودن این شرکت منافات نداشته باشد تابع مقررات ناظر بر شرکت سهامی عام است.

بستر حقوقی جهت تجویز تشکیل شرکت تک‌شریکی در قالب شرکت‌های قانون تجارت

می‌دانیم که مطابق قانون تجارت ۱۳۱۱ ایران تشکیل شرکت با عضو واحد امکان‌پذیر نیست. زیرا برای تشکیل شرکت‌ها مواد ۹۴، ۱۱۶، ۱۴۱، ۱۶۲، ۱۸۳، و ۱۹۰ این قانون همکاری و مشارکت حداقل دو شخص و مواد ۳ و ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ وجود حداقل سه یا پنج شخص را برای تشکیل شرکت‌های سهامی عام و خاص ضروری می‌داند. اما، به نظر می‌رسد زمینه لازم برای پذیرش این شرکت با تصویب قانون فراهم است.

از نظر حفظ حقوق ذی‌نفعان خارج از شرکت تفاوت چندانی بین تجویز شرکت با مشارکت دو شریک با شرکت تک‌شریکی به نظر نمی‌رسد. زیرا با تکیه بر روش‌های حفاظت از سرمایه و

تحمیل مسئولیت نامحدود در موارد عدم رعایت روش‌های قانونی حفاظت از سرمایه و تقویت نظارت بر این شرکت‌ها این نقیصه برطرف خواهد شد و تأخیر طولانی قانون‌گذار در رسمیت بخشیدن به این نوع شرکت‌ها فاقد توجیه حقوقی و اقتصادی است. با در نظر گرفتن مسئولیت محدود برای اعضا و شرکا، موقعیت بهتری برای رشد اقتصادی و تجاری پدید می‌آید.

با وجود عدم پیش‌بینی شرکت تک‌شریکی در قانون تجارت، در عمل بسیاری از شرکت‌ها با سرمایه‌ای تشکیل می‌شوند که قسمت اعظم آن متعلق به یک شخص است. نمونه این شرکت‌های عملاً تک‌شریکی شرکت‌های خانوادگی هستند که معمولاً با سرمایه سرپرست خانواده تشکیل می‌شوند. با وجود این، این احتمال وجود دارد که در رابطه با شرکت‌های مطرح در قانون تجارت شرایطی پیش آید که شرکت عملاً تک‌شریکی شود. به علت سکوت قانون‌گذار این زمینه، قانوناً موجبی برای انحلال آن‌ها نیست؛^۱ جز در مورد شرکت تعاونی که در صورت کاهش اعضا از حد نصاب قانونی، طبق بند ۲ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی، تا سه ماه بیشتر نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد (← تفرشی ۱۳۹۳: ۲۱).

علاوه بر این، در برخی قوانین فرعی هم امکان تشکیل شرکت با عضو واحد قابل استنباط است. از این قوانین می‌توان به قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۷۶ و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی مصوب ۱۳۷۶ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد (← تفرشی ۱۳۷۸: ۱۲۴).

تشکیل هر یک از اقسام شرکت‌ها در حقوق تجارت ایران ویژگی‌های خاص خود را دارد که امکان تشکیل آن با عضو واحد را مشخص می‌کند. پرواضح است که تشکیل این نوع شرکت در شرکت‌هایی که همکاری دو یا چند شریک اساساً ضروری است امکان‌پذیر نیست. از این شرکت‌ها می‌توان به شرکت مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی اشاره کرد. طبق مواد ۱۴۱ و ۱۶۱ قانون تجارت شرکت مختلط بین یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک با مسئولیت محدود تشکیل می‌شود. بنابراین، در این شرکت حداقل وجود یک شریک ضامن و یک شریک با

۱. برای دیدن نظر مخالف ← اسکینی ربیعا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۵، تهران، سمت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۸.

مسئولیت محدود جزئی از ماهیت شرکت است. در شرکت نسبی نیز از آنجا که مسئولیت نسبی بدون تعدد شرکا قابل تصور نیست نمی‌توان این شرکت را با عضو واحد تشکیل داد. تشکیل شرکت تک‌شریکی در قالب شرکت تعاونی با هدف تشکیل این شرکت مغایر است. همان‌گونه که از اصطلاح تعاون برمی‌آید و اصول و ارزش‌های اعلام‌شده در کنفرانس بین‌المللی تعاون ۱۹۹۵ در منچستر و راهنمای سازمان بین‌المللی کار حکایت دارند، تعاون بر اساس همکاری مشترک اعضا تحقق پیدا می‌کند. با این توضیح که تعاون و همکاری به معنی اتحاد و تلفیق امکانات هر یک از اعضا از طریق فعالیت مشترک به منظور حصول مقاصد مورد نظر و رفع نیازهای اعضا از طریق همکاری و تعاون در چارچوب سازمان تعاونی است (← ساردویی‌نسب ۱۳۸۸: ۸).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۶۴/۱۳۶ در تاریخ ۲۰۰۹/۱۲/۱۸ یادآور شد که تعاونی‌ها بر فقرزدایی، اشتغال‌زایی، و همبستگی اجتماعی مؤثرند. تعاونی اتحادیه‌ای خودسامان و داوطلبانه از مردمی است که به منظور نیاز و آرمان‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مشترک در سازمانی با مالکیت جمعی و دموکراتیک گرد هم آمده‌اند و در مجموع در توسعه اجتماعی - اقتصادی مشارکت می‌کنند و در واقع تعاونی‌ها فرصت را برای جامعه‌گرایی فراهم می‌آورند (Document A/RES/64/136, Official Document, United Nations). تدوین‌کنندگان قانون اساسی در جریان مذاکرات قانون اساسی اصول و ارزش‌های تعاون در ایران را نیز همان اصول بین‌المللی تعاون می‌دانند (بهشتی ۱۳۵۹: ۳). بنابراین، هدف از شرکت‌های تعاونی نیز، با توجه به ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی، مصوب ۱۳۵۰، و قانون اقتصاد بخش تعاون ۱۳۷۰، همکاری و تعاون است و صرف‌نظر از اینکه این قوانین حداقل هفت شخص را برای تشکیل این شرکت ضروری می‌دانند، از آنجا که اساس تعاون بر مشارکت و همکاری است، نمی‌توان امکان تشکیل شرکت تک‌شریکی را در این نوع شرکت امکان‌پذیر دانست.

در شرکت سهامی عام، گرچه در نگاه اول تشکیل ابتدایی شرکت تک‌شریکی با فلسفه تشکیل شرکت سهامی عام مخالف است، پذیرش راه‌حل عدم انحلال عملی شرکت سهامی عام در فرض انتقال کل سهام شرکت به شخص واحد موجب به وجود آمدن وضعیت بغرنج برای سهامداری که

با هدف کسب سود ناشی از معاملات سهام، مالک کل سهام شرکت شده و همچنین برای اشخاص ثالث طرف قرارداد با شرکت می‌شود. در این موارد بهتر است قانون‌گذار مانند راه‌حل موجود در مورد شرکت‌های تعاونی از طریق دادن مهلتی برای افزایش تعداد سهامداران، راه حلی پیش‌بینی کند یا تک‌سهمی شدن را نه موجب انحلال خودبه‌خود، بلکه سببی برای درخواست انحلال از سوی ذی‌نفعان در نظر گیرد. شاید همین موضوع توجیه مناسبی بوده که قانون‌گذار انگلیسی شرکت تک‌شریک سهامی عام را نیز منع نکرده است.

درباره شرکت‌های سهامی خاص نیز، گرچه برخی قائل‌اند امکان تشکیل این شرکت به صورت تک‌شریکی وجود ندارد و این شرکت با شرکت سهامی خاص در انگلستان، که امکان تشکیل آن به صورت تک‌شریکی وجود دارد، متفاوت است (محمودی ۱۳۸۴: ۶۱)، این استدلال برای عدم امکان تشکیل شرکت سهامی خاص به صورت تک‌شریکی پذیرفتنی نیست.

پذیرش شرکت تک‌شریکی به شکل سهامی خاص نه تنها مانع حقوقی ندارد، بلکه وجود مقررات کارآمد برای شرکت سهامی خاص و آسانی فعالیت این شرکت و گستردگی موضوع فعالیت آن، که می‌تواند فعالیت‌های غیرتجاری باشد، ضرورت تجویز قانونی شرکت تک‌شریکی سهامی خاص را توجیه می‌کند.

تشکیل شرکت تک‌شریکی در شرکت با مسئولیت محدود امکان‌پذیر است و همان‌گونه که گفته شد در همه کشورهای که شرکت تک‌شریکی وجود دارد شرکت با مسئولیت محدود از آشکارترین این شرکت‌هاست. در شرکت‌های تضامنی نیز به نظر می‌رسد امکان تشکیل شرکت تک‌شریکی وجود دارد و اگرچه در این شرکت تک‌شریک نمی‌تواند از امتیاز محدود بودن مسئولیت سود ببرد، می‌تواند از باقی امتیازاتی که فقط در قالب این شرکت امکان دستیابی به آن هست استفاده کند (نوری یوشانلوئی و همکاران ۱۳۹۶: ۵۸۲)؛ ضمن اینکه با وجود امکان تسری مسئولیت ناشی از دیون شرکت به عضو تضمین بیشتری برای معاملات اشخاص ثالث در دسترس قرار می‌گیرد.

با همه توجیحات فوق، شرکت تک‌شریکی با توجه به تئوری حفاظت از سرمایه و رعایت اصول این تئوری در قالب بسیاری از شرکت‌ها در حقوق تجارت نیز می‌تواند محدودیت‌های

موجود در زمینه موانع تشکیل این شرکت را خنثی سازد و اشکالات مطرح در توجیه عدم امکان تشکیل این نوع شرکت را مرتفع کند.

بنابراین، محدود شدن شرکت تک‌شریک به شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۴۷۹ لایحه جدید قانون تجارت فاقد توجیه مناسب است. بر اساس دستورالعمل دوازدهم اتحادیه اروپا، کشورهای عضو می‌توانند تشکیل اقسام شرکت‌ها را در قالب شرکت تک‌شریک تجویز کنند.

نتیجه

با بررسی الزامات ناظر بر شرکت تک‌شریک، نتایج زیر در خصوص این شرکت حاصل می‌شود:

۱. تشکیل شرکت تک‌شریک می‌تواند برای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی شرکت کارآمد باشد. با محدود کردن مسئولیت تک‌شریک و دادن شخصیت حقوقی به شرکت، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، که از اهداف تشکیل این شرکت است، تحقق می‌یابد. آنچه اساس شرکت تجاری را تشکیل می‌دهد داشتن شخصیت حقوقی متفاوت از اشخاص یا شخص تشکیل‌دهنده آن فارغ از تعداد یا اهمیت و موضوعیت یک یا چند نفر بودن آن‌هاست.
۲. شرکت تک‌شریک جایگزین عملی مناسبی برای کارکرد نهاد «شخص حقیقی تاجر» تلقی می‌شود و این فرصت را فراهم می‌آورد تا از طریق امکان جداسازی زندگی تجاری و خصوصی تاجر بتوان به راحتی میان اعمال تجاری و غیرتجاری تک‌شریک شرکت تفکیک قائل شد. زیرا بر اساس ضوابط حقوقی حاکم بر نهاد «شخص حقیقی تاجر» حتی با جداسازی دین تجاری از دین مدنی و عدم تأثیر دین مدنی در توقف یا ورشکستگی نیز نمی‌توان شخص تاجر را ملزم کرد درآمد تجاری خود را (به منظور حفظ حقوق طلبکاران) صرف امور مدنی نکنند. در هر صورت، پذیرش شرکت تک‌شریک الزاماً به معنی نسخ مقررات مربوط به نهاد «شخص حقیقی تاجر» نیست و این دو نهاد می‌توانند در کنار هم نیاز اجتماعی موضوع خود را برآورده کنند. اما ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در نقش و کارکرد نهاد «شخص حقیقی تاجر» به هیچ وجه در شرکت تک‌شریک وجود ندارد؛ که این نکته خودبه‌خود انگیزه لازم را در تاجر برای استفاده از این قالب به وجود می‌آورد.
۳. در زمینه بهینه‌سازی مقررات شرکت تک‌شریک و حمایت از حقوق طلبکاران، از آنجا که تک‌شریک شرکت مذکور در جایگاه مجمع عمومی شرکت است تعهداتی دارد که نسبت به

شرکت‌های دیگر متفاوت و سختگیرانه‌تر است تا نتواند از قالب حقوقی شرکت برای فرار از تعهدات خود استفاده کند. پرداخت همه سرمایه یا حداقل مقررشده قانونی و ارائه تضمین برای مابقی آن ضرورت تناسب سرمایه با موضوع کسب‌وکار شرکت، انتخاب نوع کسب‌وکار در جهت حفظ هویت مالی - دارایی شرکت از دارایی شخصی، داشتن حساب صادقانه، ثبت تصمیمات و انتشار آن، و ارائه گزارش عملکرد شرکت از تعهدات تک‌شریک است.

۴. استفاده از تجارب مربوط به دستورالعمل دوازدهم اتحادیه اروپا و اصلاحیه‌های آن، که امکان تشکیل شرکت تک‌شریکی را پیش‌بینی و کشورهای عضو را ملزم کرده قوانین خود را با آن تطبیق دهند، نیز حائز اهمیت است. این دستورالعمل رعایت ضرورت‌های قانونی درباره این نوع شرکت را الزامی کرده است. در صورت عدم رعایت الزامات قانونی، طلبکاران می‌توانند از شرکت تقاضای خرق حجاب کنند و این‌گونه تلقی شود که شرکت و تک‌شریکش یکی هستند و هویت واحد دارند.

۵. با اجرای تئوری حفاظت از سرمایه می‌توان از مزایای شرکت تک‌شریک به دور از معایب آن بهره برد. مطابق این تئوری، به‌کارگیری روش‌های تضمین عدم تضییع سرمایه شرکت در طول حیات آن تضمین مناسبی برای اشخاص ثالث است. حقوق مالی و اموال با احتساب تورم در نظر گرفته می‌شود و در صورتی پرداخت سود به رسمیت شناخته می‌شود که حداقل میزان دارایی خالص در طول دوره حسابداری حفظ شود. فقط در صورت اعمال این تئوری دکترین مسئولیت محدود در این شرکت قابل اجراست. حفاظت از ارزش واقعی سرمایه اسمی شرکت و محدودیت در توزیع وجه نقد به شریک از ارکان تئوری حفاظت از سرمایه است. البته کاربرد تئوری حفاظت از سرمایه، که در مورد سایر شرکت‌ها نیز مورد استفاده است، در شرکت تک‌شریک، با توجه به واحد بودن عضو، اهمیت بیشتری دارد و هیچ جایگزینی ندارد.

۶. با توجه به بستر حقوقی موجود، از نظر تحلیلی، مانعی برای اصلاح قانون و پذیرش شرکت تک‌شریکی در شرکت‌های با مسئولیت محدود و سهامی خاص و تضامنی وجود ندارد. اما پذیرش تشکیل شرکت مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی و شرکت نسبی و شرکت تعاونی و شرکت سهامی عام (در مرحله تشکیل) به صورت تک‌شریکی، با فلسفه تشکیل این شرکت‌ها، که تعدد اعضا را اقتضا می‌کند، در تضاد است.

منابع

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۷). حقوق تجارت؛ شرکت‌های تجاری، تهران، سمت، ج ۱.
۲. تفرشی، محمدعیسی (۱۳۷۸). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ج ۱ و ۲.
۳. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۶). حقوق تجارت، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱ و ۲.
۴. تفرشی، محمدعیسی؛ سعیده تیموریان (۱۳۹۲). «شرکت‌های تجاری تک‌عضوی و تطور تاریخی آن (مطالعه تطبیقی)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۷ (۱)، صص ۱۴۵ - ۱۶۹.
۵. ساردوئی‌نسب، محمد (۱۳۸۸). «نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران (به مناسبت اعلام سال ۲۰۱۲ به عنوان «سال تعاونی‌ها» از سوی سازمان ملل)»، حقوق خصوصی، ۱۵ (۶)، صص ۱۳۱ - ۱۶۲.
۶. صفری، محمد؛ سعید جوهر (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی شرکت تک‌نفره در حقوق ایران، فرانسه، و انگلستان»، قضاوت، ۸۲، صص ۱ - ۲۴.
۷. محمودی، اصغر (۱۳۸۴). «تشکیل شرکت با عضو واحد»، مجله دانشکده علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)، ۶۱ (۱۷)، صص ۱۲۴ - ۱۳۹.
۸. بهشتی، محمدحسین (۱۳۶۶). مصاحبه، نقل از ضمیمه اقتصادی روزنامه اطلاعات.
۹. نوری یوشانلویی، جعفر؛ مجتبی بانسی (۱۳۹۶). «جایگاه شرکت تک‌عضو در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۷ (۳)، صص ۵۷۱ - ۵۸۷.
۱۰. نیازی، عباس؛ ایام کمرخانی؛ محسن جلیلیان (۱۳۹۴). «بررسی شرکت تک‌شریک در حقوق ایران با نگاه تطبیقی»، دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۲ (۸)، صص ۱ - ۲۲.
11. Assamen, M. T. (2012). Comparative Single-Member Companies of Germany, France and England: A Recommendation to Ethiopia. pp. 1-42. *Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2193070>*.
12. Behrenes, P. (2001). *Limited Liability Companies*. Budapest: CEU.
13. Bernard, F. Cataldo (1953). *Limited Liability with One Man Companies and Subsidiary Corporations, Law and Contemporary problems*, 18, pp. 473-504.
14. Cohn, E. J. & Simitis, C. (1963). "Lifting the veil" in the Company Laws of the European Continent, the International and Comparative Law Quarterly, Vol. 12, No. 1.
15. Fuller, W. (1938). The Incorporated Individual: A study of a One man Company, *Harvard Law Review*, 51(8), pp. 1373-1406.
16. Halpern, P., Trebilcock, M., & Turnbull, S. (1980). An Economic Analysis of Limited

- Liability in Corporation Law, *University of Toronto Law Review*, 30(2), pp. 117-150.
17. Raman Singh, P. (2013). *Maintenance of capital vis a-vis creditors' protection in a limited liability company*, *Published Economy & Finance*, pp. 1-7. <http://www.investopedia.com/terms/c/capital-maintenance.asp>.
 18. Kuhner, CH. (2006). *The Future of Creditor Protection Through Capital Maintenance Rules in European Company Law*, Marcus Lutter (ed.): Legal Capital in Europe ECFR, Special, vol. 1.
 19. Lenhardt, L. L. (1995-1996). *The Corporate and tax Advantages of A Limited Liability company: A German perspective*, *University of Cincinnati Law Review*, vol. 64.
 20. Lewis, L. Clum (1957). *Corporation: Liabilities: Inadequate Capitalization as Ground for Disregarding Corporate Entity*, *Michigan Law Review*, 56(2), pp. 299-301.
 21. Miao, B. (2012). *A Comparative Study of Legal Framework for Single Member Company in European Union and China* /jpl: *Journal of Politics and Law*. vol. 5, No. 3; 2012m. available at: www.ccsenet.org.
 22. Vincent Power, J. G. (1937-1938). Twelfth EEC Company Law Directive, *International Company and Commercial Law Review*, 1(3), pp. 44-45.

Acts and Regulations

23. Companies (single member private limited companies) Act 1992.
24. Directive 2009/102/EC of the European Parliament and of the Council of 16 September 2009 in the Area of Company Law on Single-Member Private Limited Liability Companies.
25. Document A/RES/64/136 - Official Document - United Nations.
26. England Company Act 2006.
27. Federal Law Gazette I 721, Italian Decree 88 of 3.3, French Law 66-537
28. Federal Law (Gazette I 721), The Law of 14 July 1987 modified Art.
29. French Commercial Code, March 2006.
30. Germany Act on Limited Liability Companies, April 1892 (Legal Gazette 477), last amended in May 1989.
31. Twelfth Council Company Law Directive 89/667/EEC Of 21 1989 On Single-Member, Private Limited Liability Companies.